

# اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری

● نوشته: ماکس وبر

● نقد کتاب از: دکتر غلامعلی خوشرو

● نوشته کوتاه، اما بلندآوازه «ماکس وبر» تحت عنوان «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» پس از یک قرن به فارسی ترجمه شد. این اثر به همت دکتر عبدالمعبود انصاری از انگلیسی به فارسی برگردانده شده و به وسیله سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت» در زمستان سال ۱۳۷۱ انتشار یافته است. در اینجا ابتدا موضوع پیچیده و بحث‌انگیز کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به ارزیابی ترجمه آن می‌پردازیم.

## ● طرح مسأله

«وبر» با این پرسش ساده شروع می‌کند که چرا مناطق پروتستان نشین نسبت به سایر مناطق از وضعیت اقتصادی پیشرفته‌تری برخوردارند؟ اما رمز این پرسش ساده جز با مطالعات دشوار تاریخی و تأملات عمیق جامعه‌شناختی و تبیین‌های روش‌شناختی گشودنی نیست. وی از این رهگذر پدیده سرمایه‌داری غربی را به عنوان امری جدید و خاص مورد پژوهش قرار داده و پس از تشریح خصوصیات آن به بررسی علت پیدایش و دلایل گسترش آن می‌پردازد.

ماکس وبر در پی کشف منشأ سرمایه‌داری جدید، با مشاهده واقعیت‌های تجربی توجه خود را به سلوک، کردار و اخلاق پروتستانها معطوف می‌دارد. به نظری ظهور و گسترش سرمایه‌داری جدید بدون تغذیه معنوی از اخلاقیات ریاضت‌گرا و اینجهانی پروتستانتیسم با مانع و دشواری مواجه می‌شد. چنانکه در تمدن‌های دیگر که فاقد بنیادهای مذهبی مشابه پروتستانتیسم بودند، سرمایه‌داری زمینه مناسب رشد و فرصت تداوم نیافت.

وی ابتدا از خلال مطالعات و شواهد تاریخی خصوصیات سرمایه‌داری جدید را بازسازی و

کسب درآمد در همه زمانها و مکانها در بین اقشار خاصی از دزدان دریایی گرفته تا راهزنان بیابانی، فواحش خیابانی و کلاهبرداران بازاری رواج داشته است. جوهر سرمایه‌داری جدید خویشتن‌داری، کف نفس و امساک است، اما نه در شکاف کوه و یا حجره عزلت، بلکه در میدان کار و تلاش. این روحیه سرمایه‌داری با مخالف سرسختی به نام سنت‌گرایی در چالش و تخاصم بوده است. در بینش سنتی مال‌اندوزی و درآمدافزایی تا واپسین دم حیات امری تحقیرآمیز و غیر اخلاقی تلقی می‌شد، در عوض، ثروت جویی از طریق ماجراجویی و یا معاملات ناعادلانه با خارجی‌ها و نیز فراغت و تجمل، بر متمکنین و متمولین مباح بود. در سرمایه‌داری جدید قیود اخلاقی از سر راه کسب درآمد به عنوان فعالیت‌های عقلانی و اصولی برداشته می‌شود و به دست و پای صرف درآمد در راه عیش و عشرت پیچیده می‌گردد. در سرمایه‌داری معاصر فرد به حرفه‌اش به عنوان یک تکلیف و واجب عینی می‌نگرد و وظیفه‌اش را با سخت‌کوشی، برنامه‌ریزی، حسابگری، جسارت و نظم ادا می‌کند. او در انجام این تکلیف در جستجوی سود است، اما نه برای انگیزه‌های خودخواهانه که برای سرمایه‌گذاری مجدد و سود باز هم بیشتر.

این شیوه زندگی در نظر مردم عادی امری خلاف معمول و عملی غیر عقلایی جلوه می‌کند. در اینجا وبر می‌خواهد ریشه و منشأ این روحیه غیر عقلانی را در سرمایه‌داری جدید کشف کند. مطالعه زمینه‌ها و پیشینه‌های مذهبی و فکر حاملان این روحیه تازه توجه وبر را به نقش مهم مذهب پروتستان در بسط روحیه سرمایه‌داری معطوف می‌سازد.

## ۲- اخلاق پروتستانی:

وبر در تشریح مذهب پروتستان ابتدا به نظریه رایج و عوامانه‌ای که قابل به مذهبی‌تر بودن کاتولیک‌ها و بی‌بندوباری پروتستانهاست، ایراد می‌گیرد و می‌گوید: «پروتستانتیسم با مسئول شناختن فرد و حذف مفاهیمی چون توبه و بخشایش و قربانی، انضباط شدیدی بر رفتار و اعمال پیروان خود اعمال می‌کند. اصول جزمی و اخلاقی در این مذهب الزام شدید و سختی‌نبر مؤمنان مقرر می‌دارد.»

او در تشریح این اصول جزمی به مسأله «تقدیر» در فرقه کالونیسیم (یکی از فرق مهم پروتستانتیسم) اشاره می‌کند. براساس آموزه تقدیر، انسانها به خاطر خداوند آفریده شده‌اند و موظفند که در راه رضای او گام بردارند. سرنوشته آدمی به سعادت یا شقاوت از پیش رقم خورده است و تصمیم چنین مهمی فقط بستگی به مشیت باریتعالی دارد. مطابق این تقدیر گروهی برگزیده و سعادت‌مندند و از فیض الهی

سپس به مدد نوع‌شناسی خاص خود، اخلاقیات مذهبی پروتستانتیسم را بازآفرینی می‌کند و در پایان با احتیاط نسبت این دو پدیده را برای خواننده مکشوف می‌سازد.

## ۱- روحیه سرمایه‌داری:

سرمایه‌داری جدید امری است ویژه تمدن مغرب زمین که از قرون شانزدهم و هفدهم به تدریج ظاهر شده و در قرنهای بعدی ثبات و توسعه یافته است. وبر پس از مطالعه رفتار اقشار متوسط و بانین طبقات نو ظهور صنعتی و مقایسه آن با رفتار سرمایه‌داران و ثروت‌اندوزان سنتی، برای سرمایه‌داری معاصر خصلتی اخلاقی قائل می‌شود که با دریافت شایع از مفهوم سرمایه‌داری کاملاً مغایر است. به نظر وی، سرمایه‌داری جدید گرچه در ظاهر، امری خودخواهانه بنظر می‌رسد، اما در اصل، و رای انگیزه‌های خودخواهانه محض و بالاتر از آن دارای ویژگی اخلاقی است. این ویژگی عبارت است از جمع کردن دو امر متخاصم و متعارض، یعنی، کسب درآمد هر چه بیشتر در کنار پرهیز شدید از لذایذ زندگی.

در این نگرش نوین، کسب درآمد نه محدود به رفع نیازها و نه بازیچه ارضای هوسهاست، بلکه خود هدف است، هدفی که با تعهد به کار طاقت‌فرسا و با تقید به اصول اخلاقی بسیار سخت قابل حصول است. براین اساس، کسب درآمد دیگر تابع خواست انسان نیست، بلکه انسان وسیله کسب درآمد است.

به نظر وبر، این امر اگر چه خلاف عادت و غیر طبیعی می‌نماید، اما در واقع آس و اساس روحیه سرمایه‌داری جدید است.

آنچه سرمایه‌داری جدید را از شکل‌های دیگر سرمایه‌داری متمایز می‌سازد، خصلت ثروت‌اندوزی نیست، چرا که ثروت‌اندوزی و

نزد خداوند گرامی تر است، افراد را به سوی کسب مهارت و تخصص سوق داده و از بطلت و تفنن دور می‌کند.

«کار» دیگر نه عملی اجباری برای رفع نیازها است، بلکه فعلی اختیاری برای اثبات ایمان تلقی می‌شود. در این فضای ایمانی مؤمنان با ریاضت تمام به کار اینجهانی دل می‌سپارند و به شیوه‌ای عقلانی و با خصلتی روشمند، به انجام تکلیف در حرفه‌ای خاص همت می‌گمارند. این اعمال ارزشی هنگامی که در جامعه عینیت می‌یابند به سودآوری و ثروتمندی منجر می‌شوند. بر این اساس، ثروت نشانه برکت و فضل الهی است، اما ثروتی که با کار عقلانی و اخلاقی به دست آمده باشد، نه ثروتی که از طریق دغلكاری، كلاهبرداری و آزمندی فراهم گردد.

در پروتستان‌تیسیم دو امر ظاهراً متعارض همزمان انجام می‌پذیرد، یکی نفی موانع سنتی ثروت‌اندوزی و دیگری ایجاد نظارت دقیق بر استفاده از ثروت. نفی موانع در راه کسب ثروت سبب می‌شود تا افراد برخلاف سنت رایج کاتولیکی به کار و تلاش سودمند مستمر و نتیجه‌بخش روآورند و نظارت بر مخارج نیز مانع تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و لذت‌جویی می‌گردد، درحالی که کسب ثروت از راههای عقلانی نه تنها مجاز، بلکه واجب تلقی می‌شود. مصرف ثروت جز در راههای عقلانی و اخلاقی شرک و بی‌دینی قلمداد می‌گردد. به این صورت، ثروت‌اندوزی و کسب درآمد نشانه فضل الهی و مصرف‌گرایی و تذبذب مایه خشم پروردگار خواهد بود.

این فرایند دوگانه محدودیت‌شکنی (در کسب درآمد) و محدودیت‌آفرینی (در صرف ثروت) زمینه مناسبی برای رشد سرمایه‌داری جدید فراهم می‌آورد. ریاضت‌گرایی از یکطرف به انباشتن سرمایه (از طریق کار منظم عقلانی) و از سوی دیگر به کنترل مصرف و مالا سرمایه‌گذاری مجدد مدد می‌رساند.

در این زمینه «وبر» چنین می‌گوید:

«فانل شدن ارزش مذهبی برای کار خستگی‌ناپذیر، مداوم و منظم در تکلیفی اینجهانی و تلقی آن به عنوان بهترین وسیله ریاضت‌گرایی و در عین حال قاطع‌ترین برهان بر تولد مجدد و اصالت ایمان، بدون شك فراهم آورنده مناسب‌ترین فضای ممکن در گسترش نگرشی نسبت به زندگی بوده است که ما آن را روحیه سرمایه‌داری می‌نامیم.» (ترجمه نگارنده از متن انگلیسی - ص ۱۷۳)

«وبر» در اینجا حداقل نوعی رابطه ساختاری - اگر نه علی - بین اخلاق پروتستانی با روحیه سرمایه‌داری نوین برقرار می‌کند. وی با ظرافت تمام از تحلیل تک وجهی زیر ساخت و روساخت که در نگرش مارکسیستی رایج است، فراتر رفته و این امکان را که تغییر در ارزشها به

اینجهانی در راستای اهداف اخروی شکل می‌گیرند. برای جلب رضایت خداوند نیازی به ترك كار و دیار نیست، بلکه تك تك اعمال جزئی انسان، به شرطی که با محاسبه و مراقبت همراه باشد، گامی به سوی رستگاری خواهد بود.

این فرایند اخلاقی شدن زندگی به نظارت مستمر و برنامه‌ریزی بر کل حیات انسانی منجر می‌گردد؛ برنامه‌ای که براساس محاسبه عقلانی و بر پایه مراقبت اخلاقی رفتار انسان را روشمند می‌سازد. هر چه این محاسبه دقیقتر باشد، اعمال انسانی موفق‌تر و هر چه این مراقبت کاملتر باشد، روش زندگی مرتاضانه‌تر است. بنابراین، ریاضت‌گرایی اینجهانی در مذهب پروتستان رفتار دنیوی را در جهت رستگاری اخروی سامان و جهت می‌دهد، حال آنکه ریاضت‌گرایی دنیاگرای کاتولیکی فعالیت‌های دنیوی را به خاطر سعادت اخروی محدود و مشروط می‌سازد. به

متنعم، و گروهی دیگر گرفتار نفرین و مورد لعنت. تعیین چنین سرنوشتی برای انسانهای شدیداً مذهبی که عمیقاً نگران سعادت اخروی خود هستند، اضطرابی هول‌انگیز و تنهایی رنج‌آور ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، علیرغم این آشوب درونی، هیچ فردی مجاز نیست خود را مطرود درگاه حق بداند، بلکه لازم است خود را مستحق لطف الهی تلقی کند.

به نظر وبر، در کالونیسیم تنها نشانه ملموس این صلاحیت دستاوردهای این جهانی از طریق انجام کارهای سخت و منظم است. مفهوم «رسالت» «Calling» به عنوان حرفه و تکلیف از این اصل اخلاقی ناشی شده و تنها وسیله رستگاری تلقی می‌شود. براساس تعالیم کالون، این تکلیف فقط با سخت‌کوشی در حرفه‌ای دنیوی (کار مستمر برنامه‌ریزی شده و تخصصی) ادا می‌شود. به

● سرمایه‌داری جدید امری است ویژه تمدن مغرب زمین که از قرون شانزدهم و

هفدهم به تدریج ظاهر شده و در قرن‌های بعدی ثابت و توسعه یافته است.

● به گفته «ماکس وبر»: سرمایه‌داری از روحیه ریاضت‌گرای مسیحی تغذیه کرده و رشد و نمو یافته است، اما پس از چندی که پروبازومی گیرد، بر این مادر لگندی می‌زند و درحالی که مجهز به تولید ماشینی و شالوده‌های تکنیکی شده، از آن جدا می‌گردد.

● «نظام فعلی سرمایه‌داری دیگر نه براساس عمل اختیاری و آگاهانه دین باوران، بلکه به اقتضای نظام اجباری فنی و تولیدی مبتنی بر ثروت و قدرت اداره می‌شود؛ روحیه ریاضت‌گرایی از زندگی رخت بر بسته و سلطه‌فزاینده مادیت، انسان امروز را در قفسی پولادین به بند کشیده است.»

طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که «وبر» عناصر اصلی مذهب پروتستان را آمیزه‌ای از تکلیف و حرفه و امتزاجی از دنیا و آخرت که در رفتار روشمند و مرتاضانه مؤمنان متجلی است، تلقی می‌کند.

تا اینجا «ماکس وبر» مفاهیم سرمایه‌داری و پروتستان‌تیسیم را به روش تحلیلی و تاریخی و تطبیقی بازسازی و معرفی می‌کند تا عناصر مهم و تعیین کننده در این دو پدیده را شناسایی کرده و زمینه را برای تبیین نسبت و رابطه بین این دو فراهم آورد.

### ۳- رابطه اخلاق پروتستانی

و روحیه سرمایه‌داری:

«وبر» پس از شناسایی اصول جزمی در اخلاق پروتستانی به تأثیر این اصول بر رفتار اقتصادی پیروان این مذهب می‌پردازد. این اصل که برای هر فرد تکلیفی مقرر شده و موظف به پذیرش و تلاش در جهت ادای آن است، تأثیر روان‌شناختی مهمی بر اعمال افراد برجای می‌گذارد. اینکه هر فرد تکلیفش را بهتر ادا کند،

این ترتیب، تلاش دنیوی و اقتصادی افراد، نمونه عالی عمل اخلاقی تلقی می‌گردد. این دریافت تازه از حرفه که منبعث از تعالیم جزمی اخلاقی و مذهبی است تأثیر روان‌شناختی عمیقی بر مؤمنان مذهب پروتستان باقی می‌گذارد. ماکس وبر با مبنای این تعالیم اخلاقی و نیز صحت و سقم آنها کاری نداشته و صرفاً به بررسی اثر این تعالیم بر فعالیت‌های اقتصادی افراد می‌پردازد. این الزامات اخلاقی زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم را دستخوش تغییر می‌سازد. دیگر زندگی راهبانه وسیله جلب رضایت خداوند نبوده، بلکه نوعی خودخواهی و کناره‌گیری از تعهدات این جهانی تلقی می‌شود.

در این نگرش تازه، تنها شیوه مقبول الهی انجام وظیفه دنیوی و ادای تکلیف در يك حرفه مشروع است. بنابراین، مسئولیت اخلاقی مؤمنان نه در نفی جهان (مذهب کاتولیک)، بلکه با انجام تعهدات این جهانی از طریق کار مستمر و مرتاضانه ادا می‌شود. دیگر زندگی دنیوی در تقابل با حیات اخروی نیست، بلکه فعالیت‌های



تغییر در رفتارها و مآلاً به تأسیس نظام اقتصادی جدید منجر شود، مطرح می‌سازد. او در پایان کتاب توجه خواننده را به این نکته مهم معطوف می‌دارد که هدفش وارونه کردن تحلیل مارکس نیست، بلکه توجه به رسوخ ارزشها در روابط و نهادهای اجتماعی است. به نظری، در هر تبیین جدی جامعه‌شناختی، بایستی اثرات متقابل ارزشها و ساختارها را بر یکدیگر بررسی کرد و با توجه به واقعیت‌های تجربی مورد به مورد میزان اثرگذاری و نقش هر عامل را به دقت تبیین و بررسی نمود. رابطه بین ارزشهای دینی و رفتار اقتصادی محدود به پروتستان‌تیسیم و سرمایه‌داری نیست، بلکه «ماکس وبر» این امر را در سایر ادیان بزرگ جهانی نیز جستجو می‌کند. مطالعات گسترده و تطبیقی او در ادیان هند و چین و اسلام و یهود همگی در پی اثبات این مطلب است که جهان‌بینی این مذاهب نمی‌توانسته است مشوق گسترش سرمایه‌داری جدید باشد. این مطالعات از طریق برهان خلف در پی تأکید بر رابطه بین اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری است. از لحاظ روش شناختی، «وبر» رفتار مؤمنان پروتستان و طبقات روبرو به رشد بورژوازی را مورد بررسی قرار می‌دهد. او پس از مشاهده و مطالعه رفتار مؤمنان پروتستان به تبیین و ریشه‌یابی نگرش‌ها و کنش‌های آنها می‌پردازد. وی ابتدا پدیده مورد مطالعه را نه در سطح کلان (دین، اقتصاد) که در سطح رفتار اشخاص و اقتضای معینی آغاز می‌کند و از طریق این مطالعه به تفسیر اعمال عاملان می‌پردازد و معنای کنش‌های آنها را از بطن اصول جزمی اخلاقی بیرون می‌کشد. به علاوه، وبر با واکاوی اندیشه شاخصین مذهب پروتستان، می‌کوشد تا دلایل و معانی کنش و رفتار مؤمنان این مذهب را بررسی کند. پس از این مطالعه در سطح فردی، وی نتایج و عواقب خواسته یا ناخواسته این کنش‌ها را در عرصه روابط اقتصادی مورد پژوهش قرار می‌دهد. تأثیر اصول اخلاقی بر رفتار فردی و تبلور رفتار افراد در روابط اجتماعی و اقتصادی و تأثیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بر رفتارهای فردی و تعامل اختیار انسان و جبر ساختارها موضوع پیچیده مطالعات ناتمام وبر و نیز دلمشغولی بی‌پایان جامعه‌شناسان را تشکیل می‌دهد.

«اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» به صرف تبیین این رابطه بسنده نمی‌کند. در صفحات پایانی کتاب کلام علمی و خشک و بر به لحن آتشین و عاطفی تبدیل می‌شود و یکباره از سطح تبیین به اوج انتقاد بر می‌کشد. به نظری، سرمایه‌داری از روحیه ریاضت‌گرایی مسیحی تغذیه کرده و رشد و نمو یافته است. اما پس از چندی که بروپازو گرفت بر این مادر لگدی می‌زند و درحالی که مجهز به تولید ماشینی و

شالوده‌های تکنیکی شده از آن جدا می‌گردد. نظام فعلی سرمایه‌داری دیگر نه بر اساس عمل اختیاری و آگاهانه دین‌باوران، بلکه به اقتضای نظام اجباری فنی و تولیدی مبتنی بر ثروت و قدرت اداره می‌شود. روحیه ریاضت‌گرایی از زندگی رخت بر بسته و سلطه فزاینده مادیت انسان امروز را در قفسی هولادین به بند کشیده است.<sup>۲</sup>

سخنی در باره ترجمه

نگارش پیچیده «وبر» که مملو از جملات طولانی و مشحون از عبارات معترضه است، کار ترجمه آثار او را با دشواری مواجه می‌سازد. مترجم در برگرداندن این اثر و ویراستار در تنقیح آن زحمات بسیار کشیده‌اند. با این همه، ملاحظاتی زیر جهت بهبود کار در جاهای بعدی بی‌مناسبت نیست:

در علوم اجتماعی جدید کمتر اثری به اندازه این کتاب بحث‌انگیز و جدل‌آمیز بوده است. شایسته بود اثری به این اهمیت با احتیاط و دقتی درخور به فارسی برگردانده شود. متأسفانه، در ترجمه این اثر یادداشتهای مؤلف - که تقریباً دو برابر متن اصلی است - حذف شده است. گرچه ترجمه کلیه یادداشتهای کاری است بسیار دشوار و شاید به دلایل فنی غیر ممکن، اما حذف تمامی آنها نیز متن را بیچیده و گاه درک آنرا غیر عملی می‌سازد.

علیرغم زحمات زیاد مترجم و ویراستار، غلط‌های چاپی یا جزیی در صورت، اما فاحش در معنا، در این کتاب بسیار است. به علاوه، در این ترجمه گاه با تلخیص و حتی حذف عبارات و جملات روبرو هستیم. تلخیص و حذف در این اثر کلاسیک که جمله به جمله آن موجد بحث‌ها و گاه بنمایه مکاتب و نگرش‌های جدید بوده است، به اصالت ترجمه لطمه سنگین وارد می‌سازد. از ضعف‌های عمده دیگر این ترجمه از همه مهمتر بی‌دقتی در برگرداندن بعضی جملات کلیدی است که یا معنا را تغییر داده و یا به کلی از هستی ساقط کرده است.

در اینجا برای هر یک از موارد بالا به ترتیب معکوس یک نمونه ذکر می‌کنیم:

● الف - جملات کلیدی:

The Puritan wanted to work in a calling; We are forced to do, (181)

این جمله کوتاه و روشن خلاصه کل اندیشه «وبر» در مقایسه بین عمل اختیاری و ارزشی پاکدینان پروتستان و رفتار اجباری انسانهای عصر ماشین و سرمایه‌داری فعلی است. مترجم در ترجمه این جمله چنین می‌نویسد:

«پیوریتین‌ها می‌خواهند که تکلیف را انجام دهند، ما هم مجبور به چنین کاری هستیم» (ص ۱۵۵). خواننده فارسی زبان نه تنها هدف نویسنده را در نمی‌یابد، بلکه حلقه اتصال سلسله استدلال وبر را گسسته می‌یابد. نگارنده در

برابر این جمله، عبارت زیر را مناسبتر و صحیح‌تر می‌داند:

«پاکدینان از روی اختیار کار را تکلیف خود می‌دانستند اما ما مجبور به کار کردیم.»

● ب - حذف عبارات:

در تشریح همین جمله وبر می‌گوید: «زیرا هنگامی که ریاضت‌گرایی از صومعه‌های رهبانی خارج و وارد عرصه زندگی روزمره شده و به عنوان اخلاق اینجهانی سلطه یافت، نقش خود را در ساختمان عظیم نظم اقتصادی جدید ایفاء کرد.» (ص ۱۵۵)

در این جا عبارت «و به عنوان اخلاق اینجهانی سلطه یافت» (And began to dominate worldly morality) حذف شده است. حذف این عبارت مهم که از یکطرف ناظر بر اینجهانی بودن ریاضت‌گرایی و از طرف دیگر حاکی از اخلاقی بودن آن است، در فهم نظریه وبر خلل وارد می‌سازد.

● ج - غلط‌های چاپی:

در ادامه جملات فوق در پاراگراف بعد، وبر می‌نویسد: «نظریه تبعید در برابر تکلیف فردی، مانند شیخ عقاید مذهبی در زندگی مالی پرسه می‌زند. هرگاه تحقق يك تکلیف را بتوان مستقیماً به ارزشهای فرهنگی و متعالی مربوط کرد» (ص ۱۵۶) در اینجا زندگی مالی غلط و زندگی مادرست است. این اشتباه ساده در متنی که به تأثیر ثروت و مال‌اندوزی بر ارزشهای اخلاقی اختصاص دارد، بسیار ابهام‌آمیز و گیج‌کننده خواهد بود. در ادامه، کلمه بتوان در واقع نتوان بوده است «Cannot be related» که جایجایی همین يك نقطه منجر به واژگونی طرح تبیینی نظریه وبر می‌گردد.

لازم به ذکر است که مشکلات فوق فقط مربوط به دو پاراگراف صفحات ۱۵۵ و ۱۵۶ است. به اضافه، اشتباهات این دو پاراگراف نیز به موارد ذکر شده محدود نمی‌شود.

نگارنده که از علاقه «سمت» به نشر این کتاب و از زحمات مترجم و ویراستار در تنظیم و تصحیح و آماده‌سازی آن بی‌اطلاع نیست، امیدوار است در چاپ‌های بعدی کتاب مجدداً بازخوانی و با متن مطابقت داده شود تا ترجمه‌ای درخور این اثر ارزنده در زبان فارسی به یادگار بماند.

● زیرنویس‌ها

1- Max Weber, The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, translated by T. Parsons, Charles Scribner's Sons, N. Y. 1958.

۲- «وبر» از تبیین این جنبه تاریک از تجدد در مغرب زمین به سرعت عبور می‌کند و تبیین کافی متکی بر شواهد تجربی در خصوص جگونگی تبدیل روحیه پروتستانی به زندان خلاص‌ناپذیر انسان غربی امروز ارائه نمی‌دهد. برای توضیح بیشتر «تجدد» از نظر وبر، مراجعه شود به مقاله نگارنده تحت عنوان «تجدد در فراز و فرود مذهب و خرد» - ادبستان شماره ۴۳ تیر ماه ۷۲.